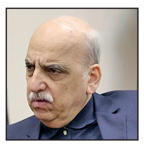

انباشت پول بانک‌ها در املاک

مشاور وزیر راه و شهرسازی از احتمال تغییر نام سازمان ملی زمین و مسکن به سازمان ملی زمین خبر داد و در همین حال گفت: سرمایه بانک‌ها در حوزه املاک و مستغلات انباشته شده است. حسین عبده‌تبریزی درباره سیاست‌های بهینه عرضه زمین گفت: در حال حاضر سیاست‌های عرضه زمین باید تغییرات اساسی کند. سیاستگذاری زمین شهری در سه بعد مالکیت ارزش و کاربری زمین باید به گونه‌ای تصمیم‌گیری شود که بهره‌برداری از این کالای کمیاب سبب افزایش قیمت زمین نشده و سوداگری در زمین رایج نشود. در حالی که در حال حاضر ما فرآیند سوداگری زمین را در کشور شاهدیم.

اخبار کوتاه

معاون توسعه و مهندسی شرکت ملی نفت:

باید هزینه‌ها را کاهش دهیم

معاون توسعه و مهندسی شرکت ملی نفت ایران با بیان اینکه قیمت نفت در پنج سال آینده ۴۰ تا ۶۰ دلار برای هر بشکه خواهد بود، افزود: باید اقتصاد خود را با این قیمت تطبیق داده و هزینه‌ها را کاهش دهیم. اقتصاد بریز و بپاش باید در صنعت نفت تمام شود. به گزارش روابط عمومی وزارت نفت، غلامرضا منوچهری با بیان اینکه با دستور وزیر نفت مطالعه کل مخازن کشور در دستور کار قرار می گیرد، گفت: این اقدام و بهره‌مندی از مشاوران داخلی و خارجی زمینه مناسبی برای جهش توسعه در صنعت نفت فراهم می کند. شرکت ملی نفت باید بیشتر از قبل برای ایفای نقش به عنوان کارفرما آماده شود. این در حالی است که مواجهه با ذی‌نفعان در بخش نفت و گاز حرکت را سخت کرده است. وی با تاکید بر اینکه برای توسعه و اخلاق حرفه‌ای زمینه فرهنگی مناسب نیاز داریم، افزود: در حال حاضر زمینه فرهنگی صنعت نفت به طور کامل فراهم نیست و این صنعت به احیای ساختار نیاز دارد. بخش خصوصی نباید مثل بخش دولتی بروکراتیک باشد و باید کارآمدی و چابکی در شرکت‌های خصوصی حفظ شود. معاون توسعه و مهندسی شرکت ملی نفت ایران با تاکید بر اینکه میدان‌های مشترک مخصوصا میدان‌هایی که احتمال فرار هیدروکربور در آنها وجود دارد در اولویت توسعه قرار دارند، تصریح کرد: بعد از آن مخازن پیچیده با ضریب بازیافت‌های پایین و میدان‌های بزرگ که توسعه آنها تولید و درآمد بیشتری نصیب کشور می کند در اولویت قرار دارند. انتظار ما از شرکت‌های بین‌المللی تامین مالی و ارایه فناوری‌های نو است و در اجرای قراردادهای توسعه میدان‌ها دستیابی به تولید تجمعی مناسب و بالابردن ضریب بازیافت بسیار حایز اهمیت است.

ادامه از صفحه اول

ایران و افغانستان در مسیر سند جامع راهبردی

اهمیت مناسبات جدید بین دو کشور ایران و افغانستان در شرایط فعلی از آن جهت است که دو طرف در تلاش برای دور نگه داشتن این مناسبات از این رقابت‌های مورد نظر هستند. روابط دو کشور ایران و افغانستان در حال حاضر برخوردار از چند ویژگی است، این روابط فاقد منازعه، مناقشه و مبتنی بر احترام متقابل بوده و دو طرف مبنای رفتاری خود در تعاملات دوجانبه را بر اساس سیاست برد-برد و دیده شدن منافع متقابل و پاسخگویی به انتظارات یکدیگر قرار داده‌اند. مولفه دیگری که مورد تاکید دو طرف در این راستا قرار گرفته، عدم اجازه ورود و کنشگری به عنصر سوم در این مناسبات است. هدف دستیابی به روابطی دوستانه، پایدار، مسوولانه، متعهدانه و قابل پیش‌بینی است. البته باید این نکته را نیز پذیرفت که این روابط با وجود اراده مقامات ارشد دو طرف، هنوز به مرحله پایداری نرسیده و کماکان نیاز به اقدامات اعتمادساز احساس می‌شود. تهدیدات و فرصت‌های مشترکی در برابر دو کشور وجود دارد که درک یکسانی در دوطرف در این رابطه ایجاد و همین موضوع امکان دستیابی به مسیر تعریف‌شده را مهیاتر می‌سازد. تروریزم و افراط گرایی، کشت و تولید و تجارت مواد مخدر که منجر به بی‌ثباتی سیاسی شده عمده‌ترین تهدیداتی است که دو کشور به صورت مشترک با آن مواجه هستند. با وجود برخی تفاوت‌ها در توان ملی دو کشور، این تهدیدات را می‌توان در مجموع در دسته تهدیدات نامتقارن برای هر دو طرف تعریف کرد. توافق دو طرف بر بهره گرفتن از ظرفیت‌های ایجاد شده موجود برای رفع تهدیدات با همکاری و مساعدت یکدیگر است. در حوزه فرصت‌ها افزایش همگرایی اقتصادی، تقویت پیوندهای دوجانبه در حوزه سیاسی، امنیتی دفاعی و اقتصادی، آموزشی و فرهنگی و نیز توسعه ارتباطات و پیوندهای منطقه‌ای مهم‌ترین آن محسوب شده که تمامی این موضوعات در قالب دستور کار کمیته‌های پنج گانه فوق قرار گرفته است. نفس حضور نیروهای خارجی در افغانستان، ابهام در ماهیت این حضور و دستور کار آنها، نامشخص بودن اهداف و زمانبندی متناسب با آن و عدم وجود تعریف مشخص از میزان تعهدات واقعی آنها در قبال منطقه که بتواند ظرفیت‌های همسو را که در یک جهت هدایت کند باید از جمله موارد قابل گفت‌وگو بین دو طرف محسوب کرد. البته در انتها این نکته را باید مورد تاکید قرار داد که سیاست ثابت ایران در قبال افغانستان همواره دور نگه داشتن این کشور از دیگر رقابت‌هایی است که بین کشورمان با دیگر کنشگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای وجود داشته است.

حافظ وخروج از یکسویه نگری فرهنگی

با تحلیل این گفتمان انتقادی روشنگری و بصیرت را در میان مردمان و حاکمان ندا می‌دهد. الهام‌پذیری از کلام ایشان می‌تواند بسترساز خروج از نگاه یک‌سویه به فرهنگ و تمدن کهن ایران باشد تا از محل این بستر فرهنگی، اندیشه‌های عرفانی و الهی و آرمان گرایی حقیقی را در میان جوانان و اقشار جامعه رواج دهیم.

داشتن نگاه انتقادی مبتنی بر عرفان و اندیشه دینی این امکان را در جامعه مهیا می کند که از بیراهه رفتن‌ها پرهیز شود و خط سیر حقیقت را در جامعه گسترش دهیم. بهره گیری از ظرفیت‌های کهن فرهنگ و تمدن ایران اسلامی در شرایط تخاصم‌های فرهنگ کمک شایانی برای بازگشت به اصل و ریشه تمدنی و فرهنگی و اعتقادی در میان جوانان و نوجوانان خواهد داشت که در کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و در نشست‌ها با دستگاه‌های متولی امر این مهم همواره مورد امعان نظر بوده و هست و پیگیری‌های مستمر و مصرانه‌ای برای افزایش بودجه بخش فرهنگی توسط اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی همواره صورت پذیرفته است.

خشونت کلامی تا کی؟

ولی فرق مهم ماجرا در سطح اخیر این است که خشونت‌های کلامی به سرعت تبدیل به خشونت فیزیکی و جسمی می‌شود. یکی از ارکان مهم رشد و توسعه هر جامعه و شیوه اساسی حل اختلافات، تسلط داشتن به فن گفت‌وگو است.

جامعه‌ای که در آن سازش ارزش منفی تلقی شود، هیچگاه نمی‌تواند یاد بگیرد که چگونه مسائل خود را از طریق گفت‌وگو و منطق و قانون حل کند؛ ستیز شیوه غالب حل اختلافات می‌شود.

نگاه روز

محمود ختایی

دانشیار بازنشسته اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

الزامات تعادل بودجه‌های سنواتی

دولت به عنوان وکیل و مباشر مردم موظف به انجام هزینه هایی است که به او محول می‌شود. در عمل این هزینه‌ها در نهایت از طرف مجلس، یعنی نمایندگان مردم، تحت عنوان بودجه، تصویب و برای اجرا و اعمال به مباشر یعنی دولت ابلاغ می‌شود. بدیهی است که چگونگی تامین مالی هزینه‌ها نیز به عهده مردم یعنی همان ارباب است که هزینه‌ها را فرمایش فرموده است. متاسفانه این چند جمله بدیهی عملا در مراحل پیش بینی هزینه‌ها و چگونگی تامین آن، یعنی تنظیم و تصویب بودجه و به ویژه در مورد کسری آن مغفول می‌ماند. کسر بودجه یعنی حالت فرمایش ارباب به مباشر یا به بیان صریح‌تر به نوکر، برای انجام هزینه‌ها بدون پرداخت پول کافی است؟! جهت توضیح این فرمایش به ظاهر غیرممکن بهتر است نگاهی کوتاه به بودجه سال ۹۶ کشور بشود. بودجه کل کشور در سال ۹۶ برابر لایحه بودجه حدود ۱۱ هزار تریلیون ریال است که شامل کل هزینه‌های دولت به معنای اخص (بودجه عمومی یعنی جاری و عمرانی) و هزینه‌های شرکت‌ها، موسسات و بانک‌های دولتی می‌شود. برای مقایسه، این رقم نزدیک به رقم نقدینگی فعلی کشور است. تولید ناخالص داخلی نیز در سال ۱۳۹۵ به قیمت‌های جاری حدود ۱۴ هزار تریلیون ریال برآورد می‌شود. این مقایسه‌ها نشان می‌دهد که مردم انجام بخش بسیار بزرگی از فعالیت‌های مربوط به خود را به دولت سپرده‌اند. یعنی ارباب گردش امور خود را عمدتا به مباشر سپرده و برای گذران روزمره، چشم به دست مباشر دوخته است. اما مباشر معصوم نیست و طبیعی است فقط پس از گذران امور خود به فکر ارباب خواهد افتاد. بخشی از این موضوع، مشکل ساختاری دیرینه ایران است و بخشی از آن نیز به تولید نفت بر می گردد که تصدی آن به دولت سپرده شده است. کوچک کردن سهم دولت در اقتصاد ایران گرچه دشواری‌های زیادی دارد ولی یک ضرورت برای رونق فعالیت‌ها است. به‌علاوه فراموش نشود که در چنین فضایی، در طول زمان مباشر ارباب می‌شود و ارباب در جایگاه رعیت قرار می گیرد که مکافات بزرگی برای مردم و اقتصاد است! بودجه عمومی که مسوولیت مستقیم دولت را در برابر هزینه‌های جاری، عمرانی و تامین منابع نشان می‌دهد در سال ۹۶ حدود یک سوم رقم فوق و برابر ۳/۲ هزار تریلیون ریال است. این هم نزدیک به ۲۳ درصد تولید ناخالص داخلی است. اگر فقط جاری در نظر گرفته شود به ۱۷ درصد می‌رسیم. رقم معمول جهانی حدود ۱۰ درصد است. از این منظر نیز ملاحظه می‌شود، مباشر، اداره گسترده‌ای از امور داخلی و احتمالا غیر ضروری ارباب را به عهده گرفته است. نکته کلیدی‌تر کسر بودجه عمومی است. اگر بدون منظور کردن بودجه عمرانی، فقط هزینه‌های جاری بودجه عمومی را مد نظر قرار دهیم، ۲/۴ هزار تریلیون ریال هزینه داریم. در مقابل، برای این هزینه‌ها بدون درآمدهای نفتی و درآمدهای اختصاصی ۱/۶ هزار تریلیون منابع درآمدی، عمدتا مالیاتی پیش‌بینی شده است. از همین منظر خاص که فقط پرداخت واجبات مد نظر است، بودجه عمومی سال آینده ۰/۸ هزار تریلیون ریال کسری تراز عملیاتی دارد. این کسری حدود ۲۴ درصد بودجه عمومی و ۳۳ در صد هزینه‌های جاری می‌شود. رقم معمول در اقتصادهای غیر نفتی حداکثر ۵ در صد است. بخش بزرگی از کسری شامل بودجه ایران از محل درآمدهای نفتی تامین می‌شود که فاصله ۳۳ درصد را با ۵ درصد پر می کند. اما با وجود آن در عمل معمولا باز هم ارقام بودجه نمی‌تواند تحقق یابد. چنان که در سال ۹۵ احتمالا از ۲/۹ هزار تریلیون ریال بودجه عمومی، فقط حدود ۷۷ درصد آن تحقق خواهد یافت چرا که دستور خرج ارباب بیش از پولی است که به مباشر داده است. در مرحله اول برای حل مشکل کسر بودجه، مباشر با تشخیص و صلاحدید خود اقلامی از خرید را حذف می کند که می‌تواند مغایر رجحان ارباب باشد و گزینه مطلوبی نیست. ممکن است واجبات بماند و مستحبات ادا شود. چنانکه برابر بودجه ایران، مباشر تصمیم می گیرد برخلاف فرمایش ارباب، درآمد نفت که عمدتا دارایی است و قرار بوده است صرف هزینه‌های عمرانی (تبدیل به شکل دیگری از دارایی) شود، به مخارج یومیه تخصیص می‌یابد و منافع نسل‌های آینده قربانی نسل فعلی می‌شود. از منظر نسل فعلی نیز در این فرآیند معمول است بدون توجه به اولویت‌های اقتصادی، طرح‌های عمرانی متعلق به گروه‌های فرودست قربانی طرح هایی شوند که نمایندگان آنها در فرآیند تصمیم گیری و رسانه‌ها حضور و صدای بیشتری دارند! در مرحله دوم اما اگر عملا کسر بودجه تحقق یافته باشد، قطعا مباشر باید قبل از رفتن به بازار به صورت پنهانی دست در جیب ارباب کرده و از محل آن خریدهای اضافی فرمایش شده ارباب را انجام داده باشد. تامین مالی کسر بودجه استقراض از بانک مرکزی یا مردم به صورت وام مستقیم و فروش اوراق بدهی است. وام مستقیم، پولی شدن کسر بودجه است که سرنوشت محتوم آن تورم است. انتشار اوراق بدهی و فروش آن به مردم نیز مستلزم پرداخت هزینه بهره‌ای سنگین توسط دولت است و به صورت غیرمستقیم هم تورم زا است. از این رو عمدتا در صورت وقوع کسر بودجه با پدیده تورم روبه‌رو می‌شویم که آثار نامطلوب گسترده درآمدی و توزیعی دارد. البته اقتصادها در فرآیند رشد در سطح محدودی توان جذب انتشار پول و اوراق بدهی بیشتر را بدون پدیده تورم دارند ولی جوابگوی فرمایش‌های هزینه‌های گسترده اربابان نیستند. مکانیسم درونی اقتصاد از طریق تورم قدرت خرید جامعه را مانند مالیات به دولت انتقال می‌دهد. این کاهش قدرت خرید همان دست در جیب ارباب کردن توسط نوکر است. تورم را می‌توان مالیاتی پنهانی دانست که نرخ‌ها و مودیان آن مشخص نیست و موازین عدالت مالیاتی نیز در مورد آن رعایت نمی‌شود. سهم بیشتر آن به دوش گروه‌های کم‌درآمد است. بدین ترتیب این روش تامین کسر بودجه گزینه مطلوبی نیست. البته در این میانه ارباب هم اگر مجالی یابد دست در جیب مباشر می کند! به بیان بودجه‌ای مردم به فرار مالیاتی دست می‌زنند. نتیجه نهایی حاکمیت آشفته بازاری است که در آن اولویت‌های اقتصادی به کنار گذاشته می‌شود و رشد و اشتغال به دشواری و با هزینه بالا ممکن می‌شود. گزینه مطلوب در شرایط عادی تعادل بودجه یا رعایت حداقل کسر بودجه است. این مهم مستلزم قبول آن توسط ارباب و مباشر یا به بیان آراسته‌تر توسط مردم، نمایندگان مجلس و درست‌تر کل نظام است. راهی دشوار ولی گریز ناپذیر است. منافع بلندمدت آن به مراتب بیش از رهاوردهای کوتاه‌مدت جاری کسر بودجه است. بودجه ۹۶ هم باید گامی درست در این جهت باشد. اهل فن در مجلس و دولت روش‌ها را می‌دانند و باید حتی‌الامکان عمل کنند.

ارز

عرضه ارز مبادله‌ای در صرافی‌ها آغاز شد

بازگشت آرامش به بازار ارز

DATE 95.10.06 تاریخ
TIME 13:08 ساعت
صرافی یکتا
CURRENCY
فروش
خرید
نوع ارز
USD 4150 4090 دلار آمریکا
EUR 4320 4270 یورو
GBP 5000 4900 پوند انگلیس
CAD 3135 3080 دلار کانادا
AUD 3015 2960 دلار استرالیا
DKK 570 550 کرون دانمارک
NOK 466 446
SEK 440 420
CHF 3970 3900 فرانک سوییس
AED 1145 درهم امارات
SAR 1080 ریال عربستان
TL 1190 لیر ترکیه
سکه بهار آزادی
سکه تمام امامی
سکه نیم بهار

خبرگزاری میزان

امیرعباس آذرم‌وند

دو هفته بعد از خیز بازار ارز، با دخالت بانک مرکزی و عرضه ارز از سوی صرافی‌ها، بازار در آخرین روزهای هفته روی آرامش دید. هرچند باید منتظر آرامش بازار از هفته آینده بود، اما با افزایش عرضه ارز از سوی صرافی‌ها به نظر می‌رسد که انتظار برای افزایش گرانی بیشتر از ارقام کنونی دیگر اتفاق نیفتد.

طی دو هفته گذشته بازار ارز، برای گران شدن، خیز برداشت. از ابتدای هفته، برخی صرافی‌ها حتی از خرید و فروش ارز خودداری می‌کردند و در تابلوها رقم دلار نوشته نمی‌شد. افزایش قیمت دلار موجب نگرانی فعالان اقتصادی شده بود، تا جایی که محمدباقر نوبخت، رییس سازمان برنامه و بودجه نسبت به این موضوع واکنش نشان داد و عنوان کرد که دولت با گرانی دلار مخالف است. برخی تحلیلگران هم تلاش کردند که گرانی دلار را به کسری بودجه دولت ربط بدهند. هرچند تحلیل‌های دیگری هم حکایت از آن داشت که افزایش قیمت ارز، ناشی از تحولات جهانی است، با این حال گروهی هم این نظر را قبول ندارند.

قیمت دلار طی چهارسال گذشته دو دوره افزایش قیمت را به ثبت رسانده؛ آذر ۹۵ و مهر ۹۶. به جز این دو دوره زمانی، در چهارسال گذشته، ارز بیشتر از آنکه میل به افزایش داشته باشد، دوران باثباتی را پشت‌سر گذاشته است.

دولت یازدهم تلاش کرد که ارز را به سوی یکسان‌سازی هدایت کند. این وعده را ولی‌الله سیف، رییس کل بانک مرکزی در چهار سال گذشته بارها تکرار کرد، اما سازوکار و زمان اجرای آن را هرگز اعلام نکرد. او در گفت‌وگویی که نوروز امسال با «اعتماد» داشت، گفت که یکسان‌سازی نرخ ارز را شش ماه بعد از آنکه روابط کارگزاری با دنیا در حد رفع نیاز باشد، اجرا خواهد کرد. اکنون به نظر می‌رسد در آغاز دولت دوازدهم عزم دولت برای این کار جزم‌تر شده است. گمانه‌زنی‌ها درباره قیمت ارز در بودجه ۹۷ هم این موضوع را تایید می‌کند. اگر قیمت ارز در بودجه ۳۵۰۰ تومان مصوب شود، به نظر می‌رسد قیمت ارز در بازار مجددا به ۳۸۰۰ تومان بازگردد، بانک مرکزی یک قدم به سوی یکسان‌سازی نرخ ارز برداشته است.

به‌زودی اعداد بودجه ۹۷ مشخص خواهد شد. همزمان بانک مرکزی تزریق ارز به بازار را از طریق صرافی برای تعادل‌بخشی به بازار آغاز کرده است. البته بخشی از افزایش قیمت‌ها ناشی از تقاضای سوداگری است که به زودی با عرضه بیشتر ارز به بازار این تقاضای کاذب هم از بین خواهد رفت.

روز گذشته فارس در خبری اعلام کرد: «برخی صرافی‌های میدان و خیابان فردوسی نرخ فروش ارز را به ۴۰۰۷ تا ۴۰۰۹ تومان کاهش دادند. این کاهش به واسطه عرضه ارز مداخله‌ای بانک مرکزی از طریق این صرافی‌هاست. همین اقدام موجب شکل گیری صف در مقابل این صرافی‌ها شد. دیگر صرافی‌ها هم‌اکنون در دامنه قیمتی ۴۰۳۰ تا ۴۰۵۰ تومان دلار می‌فروشند.» این اقدام بانک مرکزی به نظر می‌رسد در جهت مدیریت بازار و جلوگیری از التهاب و حباب قیمتی انجام شده است. عرضه ارز پس از آن صورت گرفته که روز سه‌شنبه بسیاری از صرافی‌ها از فروش دلار خودداری می کردند و فقط خریدار ارز بودند. این پدیده موجب بروز مشکلات برای برخی متقاضیان واقعی ارز شد.

با وجود تلاش بانک مرکزی برای کنترل بازار همچنان پرسش‌های بسیاری در مورد چرایی افزایش قیمت دلار وجود دارد. محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام روز گذشته در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا تهدیدهای ترامپ عامل افزایش قیمت ارز در بازار شده، گفت: «کم‌تدبیری دولت‌ها در این حوزه سبب می‌شود غالبا در دوره دوم فعالیت دولت‌ها قیمت ارز افزایش یابد. پیش از این نیز در چهار دولت قبلی، طی چهار سال دوم شاهد افزایش نرخ دلار هستیم؛ در واقع در چهار سال اول قیمت‌ها ثابت می‌ماند و در چهار سال دوم نرخ‌ها دستخوش افزایش می‌شود.»

از طرف دیگر، مسعود خوانساری، رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران هم در واکنش به افزایش قیمت دلار و عبور قیمت از مرز چهار هزار تومان در اینستاگرام خود نوشت: «نگاه واقع‌بینانه و تصمیم به موقع درمورد قیمت ارز، نوسانات غیرواقعی را کاهش می‌دهد.»

آسیب‌شناسی گرانی ارز به روایت اهل فن

به دنبال افزایش قیمت ارز، تحلیل‌های متفاوتی درباره علل این افزایش مطرح شد. یک نگرش بر تغییر رویه دولت و بالا بردن قیمت ارز مبادله‌ای برای نزدیک کردن قیمت ارز آزاد و مبادله‌ای تاکید دارد؛ موضوعی که مطالبه بخش خصوصی است. محمد لاهوتی، رییس کنفدراسیون صادرات، نماینده نگاهی است که باور دارد دولت در چند هفته اخیر نتوانسته بازار را به درستی مدیریت کند. او در این رابطه به ایسنا گفته است: «واقعیت موجود در کشور ما این است که نرخ دلار به مدت چهار سال با وجود تورم، افزایش متناسب نداشته است و این فنر با ارزهایی که دولت به بازار تزریق می کرده پایین نگه داشته شده است. همیشه این مساله مورد نقد فعالان اقتصادی و به ویژه صادرکنندگان بوده و گوش شنوایی هم وجود نداشته است. از طرفی این تذکر هم داده می‌شد که به دلایل متعددی ممکن است دولت نتواند ارز مورد نیاز را تزریق کند و این فنر رها شود که به نفع تولید، صادرات، واردات و به طور کلی اقتصاد کشور نیست.»

رییس کنفدراسیون صادرات تاکید کرده: «ثبات و آرامش در بازارها مهم‌ترین فاکتور مورد توجه فعالان اقتصادی است ولی این اتفاق نیفتاد؛ ضمن اینکه دولت به دنبال یکسان‌سازی نرخ دلار هم بوده ولی قبل از آن نیازمند واقعی‌سازی نرخ ارز است. شاهد هستیم که طی دو، سه هفته گذشته نرخ ارز مبادله‌ای افزایش بیشتری پیدا کرده و به سمت بالا در حرکت است ولی چون تاکنون تزریق ارز در بازار به صورت متداول و متناسب از سوی دولت انجام نشده، لذا فاصله بین دلار آزاد و مبادله‌ای بیشتر از گذشته شده است.» عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران اظهار کرد: «نکته دیگر هیاهوی اخیر امریکایی‌ها در مورد خروج از برجام بوده که افزایش قیمت‌های جهانی طلا را به دنبال داشته و همه این موارد در وضعیت نرخ دلار تاثیرگذار بوده است. ضمن اینکه دولت برای یکسان‌سازی نرخ ارز می‌خواهد در شرایطی این کار را انجام دهد که نرخ را واقعی کند؛ بنابراین فاصله گرفتن نرخ دلار آزاد از مبادله‌ای می‌تواند به واقعی‌سازی نرخ دلار هم کمک کند.» وی همچنین تصریح کرد که صادرکنندگان از وضعیت فعلی بازار ارز استقبال نمی کنند، بلکه خواهان ثبات و واقعی بودن نرخ‌ها هستند.

دلار مستعد افزایش قیمت است

نگرش دیگر بر این اساس است که فنر تورمی قیمت دلار که در چند سال گذشته از سوی دولت یازدهم حفظ شده بود، دررفته و به همین دلیل افزایش قیمت اتفاقی طبیعی و قابل بازگشت است. هر چند می‌توان از فرصت پیش‌آمده هم استفاده کرد و شرایط را تا پایان سال برای یکسان‌سازی نرخ ارز مساعد دانست. این نگرش از سوی مرتضی ایمانی راد، کارشناس اقتصادی، نمایندگی می‌شود. او در یادداشتی در کانال تلگرام موسسه بامداد نوشت: «این روزها پرسشی که همه دارند این است که جهش چند روز اخیر دلار منجر به افزایش بیشتر آن خواهد شد یا در همین حد متوقف می شود؟ از قبل مشخص بود که در نیمه دوم سال قیمت ارز تحرک بیشتری خواهد داشت. ولی آیا این تحرک شروع یک افزایش قابل توجه در نرخ دلار و ارزهای دیگر است؟ به نظر این طور نمی رسد. در چهار سال گذشته چندین بار قیمت دلار از بالا و پایین، منحنی قیمتی نرمال خود را شکسته است. ولی همواره تغییرات خود را در این کانال حفظ کرده است و اگر این کانال بخواهد اعتبار خود را حفظ کند، قیمت دلار جای زیادی (حداقل این‌بار) برای افزایش ندارد. البته دلایل کافی هم برای این منظور وجود دارد.»

به اعتقاد این تحلیلگر ارشد مسائل اقتصادی: «عزم بانک مرکزی برای کنترل قیمت، وجود ارز کافی برای کنترل بازار، حساسیت قیمت دلار برای حفظ ثبات در بازار پول و شبکه بانکی از جمله تعدادی از این عوامل است که اجازه نمی‌دهد قیمت دلار فراتر رود. با توجه به اینکه در چهار سال گذشته تورم به طور کامل خود را در قیمت دلار نشان نداده است، بنابراین فرض قوی این است که دلار مستعد بالاتر رفتن از این مقادیر است و اگر بانک مرکزی دست به این اقدام نزند، در شرایط کمبود عرضه بازار خودش این کار را خواهد کرد. این اتفاق را چندین بار در بعد از انقلاب تجربه کرده‌ایم.»

ایمانی تاکید کرده: «در این صورت در شرایط زیر کانال فوق از بالا شکسته و دلار افزایش بیشتری را تجربه خواهد کرد:

۱- افزایش‌های گاه و بی‌گاه دلار این فرضیه را برای مردم قوی‌تر کند که خرید دلار مکان امن‌تری برای حفظ دارایی‌های‌شان است یا سود بیشتری نصیب آنها خواهد کرد.

۲- در صورتی که فشار تحریم‌ها بر ایران بیشتر شود و مشکل جدی در انتقال ارزهای حاصل از صدور نفت و گاز ایجاد شود.

۳- در صورتی که مشکلات شبکه بانکی رفع نشود و بانک‌های بیشتری مواجه با عدم توانایی در پس‌اندازها و سود متعلقه شوند.

۴- در شرایطی که بانک مرکزی مصمم باشد که در سال جاری نرخ ارز را یکسان کند و اجازه دهد که قیمت را مدیریت شده ولی از طریق نیروهای بازار تعیین کند.»

بانک مرکزی: همه‌چیز تحت کنترل است

آخرین نگاه را اغلب مسوولان بانک مرکزی نمایندگی می‌کنند. آنها باور دارند افزایش اخیر تا حدود زیادی به دلیل تقاضای فصلی است که بالا رفته و با اشاره به افزایش قیمت دلار در پاییز سال گذشته، تحولات چند هفته پیش را تحولاتی عادی و قابل کنترل می‌دانند که به راحتی قابل کنترل است. در این اظهارات بیشتر نگرانی بانک مرکزی از احساسی شدن فضا و التهابات عرضه و تقاضا است، درنتیجه با ابراز امیدواری نسبت به آینده سعی دارند از بروز بحران‌های غیرقابل پیشگیری، جلوگیری کنند.

به هر روی آنچه بین همه نگاه‌ها از بخش‌های مختلف مشترک است، ضرورت یکسان‌سازی نرخ ارز است. چه فعال بخش خصوصی که التهاب اخیر را نگران‌کننده می‌داند و چه اقتصاددانانی که با وسواس به سراغ تحلیل داده‌ها می‌روند و حتی مسوولان بانک مرکزی، نشان دادند که به تک نرخی شدن قیمت دلار و دیگر ارزها متمایل هستند اما ریسک بالای این تغییر در کنار احتمال افزایش مشکلات اقتصادی، دولت حسن روحانی را در چهار سال اول از انجام این اقدام منصرف کرد.

علت تلاطم در بازار ارز

ولی‌الله سیف

رییس کل بانک مرکزی

تلاطم و نااطمینانی در بازار ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی تاثیرات منفی بر جای می‌گذارد و از همین رو، ثبات این بازار یکی از اصلی‌ترین اهداف بانک مرکزی است. پس از تکانه و جهش شدید ارزی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱، بانک مرکزی در دولت یازدهم نسبت به ثبات بخشی به بازار ارز اقدام کرد و در عمل نشان داد که به خوبی توانایی حفظ ثبات بازار ارز را داشته و هم‌اکنون نیز دارد. در این مدت رویکرد بانک مرکزی بر این اساس بود که اولا مکانیزم بازار و عرضه و تقاضای ارز با اختلال مواجه نشود. ثانیا در تنظیم سیاست‌های ارزی، میان روند و نوسانات زودگذر ارزی تفکیک قایل شده و جلوی نوسانات شدید گرفته شود تا اقتصاد دچار تکانه ارزی نشود. در این راستا، اضافه جهش سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به طور طبیعی در طول دولت یازدهم و تا اوایل دولت دوازدهم در بازار هضم و بازار ارز از تعادل و ثبات مناسبی برخوردار شد. در ادامه نیز در تطابق با دستاوردهای تورمی چشمگیر دولت، تلاش شد روند تعدیل بازار ارز، متناسب با تغییرات عوامل بنیادین موثر بر این بازار باشد.

باید به این نکته توجه داشت که بازار ارز تحت تاثیر عوامل مختلفی همچون سیاست‌های کلان اقتصادی، روند متغیرهای بنیادین و کلان، تحولات در روابط سیاسی و اقتصادی بین‌المللی، تغییرات نرخ برابری ارزهای جهان روا و عامل انتظارات قرار دارد. درعین حال، نرخ ارز بر متغیرهای اقتصادی همچون صادرات، واردات، سرمایه‌گذاری، تولید، مصرف و تورم، آثار مختلف و غیر هم‌جهتی دارد. رویکرد بانک مرکزی بر این امر استوار است که به عنوان سیاستگذار ارزی روند تعادلی مناسبی از نرخ ارز را دنبال کند تا متضمن حداکثر شدن منافع اقتصادی کشور به نحو پایدار و متناسب با رویکردهای اقتصاد مقاومتی باشد.

بانک مرکزی در حال حاضر ضمن پایش روند نرخ ارز که متاثر از برخی عوامل فصلی و انتظارات ناشی از تحولات روابط بین‌الملل است، همچون گذشته نسبت به استمرار روند ثبات در بازار و دفع اختلالات اقدام خواهد کرد همان‌طور که در پاییز سال گذشته به خوبی شاهدش بودیم. در پایان، یادآوری می‌شود بُردار نرخ بازدهی بازارهای دارایی داخلی به نحوی است که نرخ سود واقعی سیستم بانکی به نحو مطلوبی مثبت بوده و در مقایسه با بازدهی بازار ارز که توام با ریسک است، بسیار جذاب‌تر است. همین امر باعث می‌شود منابع مالی هموطنان ضمن برخورداری از بازدهی مناسب و فاقد ریسک در نظام بانکی، صرف حمایت از تولید و اشتغال کشور شود و بازار ارز نیز با وجود تلاش سفته بازان ارزی در ایجاد نوسان و بهره‌برداری از حاشیه سودهای کوتاه‌مدت، بتواند در طول زمان به روند با ثبات خود متناسب با تحولات متغیرهای اقتصادی ادامه دهد.

منبع: کانال تلگرام

بورس

بررسی «اعتماد» از آثار دو طرح تازه سازمان بورس

دو تصمیم تازه بورس زیر ذره‌بین

مهشید خیزان

به دنبال کاهش التهابات بازار سرمایه، حالا سیاستگذاران تصمیم‌های جدید خود را برای تقویت این بازار یک به یک رونمایی می‌کنند. در این هفته دو اتفاق مهم برای سهامداران و سرمایه‌گذاران رخ داده است؛ اتفاق مثبت تشکیل صندوق تثبیت بازار سرمایه است که البته این صندوق از نظر ماهیت با صندوق توسعه بازار متفاوت خواهد بود و قرار است در شرایط بحرانی و ریسک‌های سیستماتیک کشوری تغییرات نرخ سود، تورم، رکود و... به شرکت‌ها کمک کند. دومین اتفاق که البته به مذاق سهامداران جزء خوش نیامد، به این معنی بود که از این به بعد قرار است نمادهای متخلف به هیچ عنوان در طولانی‌مدت متوقف نمانند و بعد از چند روز بازگشایی شوند؛ این موضوع باعث می‌شود عملا سهامداران متحمل سود و زیان‌های شرکت شوند که درواقع به ضرر سهامداران جزء خواهد بود. برهمین اساس، چارچوب‌های کلی «صندوق تثبیت بازار سرمایه» تصویب شد و عملا از روز گذشته فعالیت خود را آغاز کرد. بنای این صندوق که در راستای اجرای ماده ۲۸ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور با هدف اطمینان‌بخشی و ایجاد ثبات در بازار سرمایه، در تیرماه ۱۳۹۶ گذاشته شد، تاثیر بسزایی در حمایت از سهامداران و پیشگیری از نوسانات شدید بازار دارد.

واکنش کارشناسان به هر دو تصمیم سیاستگذاران بازار سرمایه مثبت است؛ بنا به گفته آنان این تصمیم‌ها سبب حمایت از متولیان بازار سرمایه از نوسانات شدید شده و به بهبود نقدشوندگی کمک می کند؛ از سویی به شفافیت اطلاعات در بازار سرمایه کمک خواهد کرد که تا حدودی می تواند برای سهامداران به خصوص جزء، مشکل ساز باشد. بنا به گفته قاسم محسنی، عضو شورای عالی بورس، لازم است تمام شرکت‌های سهامی عام ثبت شده در شرکت بورس، سالانه چهار صورت حساب منتشر کنند و اطلاعات مهمی که در خصوص قیمت سهام تاثیرگذار است را به مردم اعلام کنند.

توقف نمادها، تنها برای چند ساعت

البته برخی تحلیل‌ها هم حکایت از آن دارد که این تصمیم بورس آثار منفی هم به دنبال دارد. طبق تصمیم بورس تا زمانی که شرکت‌ها نتوانند خود را برای سازمان بورس به اثبات برسانند، برای طولانی‌مدت متوقف نمی‌مانند و به سرعت از سوی سازمان بورس مجوز بازگشایی می گیرند و این توقف چند ساعته در انجام معاملات هم تنها یک هشدار به سرمایه‌گذاران خواهد بود. تحلیلگران بازار سرمایه معتقدند این امر موجب زیان سهامداران جزء خواهد شد. زیرا طبق تصمیم بازار سرمایه، از این پس مقام ناظر در صورت نبود اطلاعات، مانع از معاملات نخواهد شد و هشدار را در قالب بسته نگه داشتن چند ساعته نماد به سرمایه‌گذاران اعلام می کند و این سرمایه‌گذاران هستند که باید ریسک سرمایه‌گذاری در این شرکت را بپذیرند. البته شاید در ابتدا این موضوع ساده به نظر برسد، اما از آنجایی که اکثریت سهامداران بورس افراد عادی هستند که اطلاعات کافی هم در خصوص تمام شرکت‌ها و صنایع ندارند، این موضوع می تواند به ضرر افراد تمام شده و نتوانند بعد از ساعت توقف به خرید و فروش سهم اقدام کنند. هرچند برخی تحلیل‌ها هم حکایت از آن دارد که با این سیاست‌های جدید سازمان بورس، شرکت‌ها از خطرات احتمالی که آنها را تهدید می کرده در امان خواهند بود و سهامدارانی که اطلاعات کافی در مورد بورس و اتفاقات آن ندارند، محتاطانه به خرید و فروش سهم اقدام کرده یا به صندوق‌ها و کارگزاری‌ها برای این کار اعتماد خواهند کرد.

صندوق تثبیت بازار

محسن خدابخش، مدیر نظارت بر بورس‌ها و بازارهای سازمان بورس و اوراق بهادار در خصوص تاسیس صندوق تثبیت بازار و نحوه فعالیت این صندوق به بورس ۲۴ گفت: ماهیت صندوق تثبیت بازار به گونه‌ای است که اگر شرایط سخت یا زلزله‌ای در کشور اتفاق بیفتد، این صندوق به بازار کمک خواهد کرد و اساسا مشابه این نوع حمایت‌ها و صندوق‌ها در دنیا نیز وجود دارد. همچنین، صندوق توسعه بازار وظیفه بازارگردانی را برعهده دارد که موضوع فعالیت آن با صندوق تثبیت بازار متفاوت است.

محسنی با بیان اینکه صندوق تثبیت بازار فعالیت خود را با ۳۰۰ میلیارد تومان نقدینگی شروع می کند، ادامه داد: بخشی از درآمد این صندوق، علاوه بر صندوق توسعه ملی از محل کارمزدهای سازمان بورس و اوراق بهادار تامین می‌شود. مبلغ ۳۰۰ میلیارد تومان برای آغاز فعالیت صندوق خواهد بود و سالانه نیز یک درصد از درآمد صندوق توسعه ملی به این صندوق اختصاص داده می‌شود.

وی درخصوص زمان شروع فعالیت این صندوق گفت: زمانی که صندوق توسعه ملی ۳۰۰ میلیارد تومان وجوه نقد را در اختیار صندوق تثبیت بازار قرار دهد، از همان زمان صندوق فعالیت خود را شروع خواهد کرد.

مثبت و منفی طرح‌های پیشنهادی سازمان بورس

علی رمضانیان

کارشناس ارشد بازار سرمایه

سازمان بورس درنظر دارد دو طرح را در جهت حمایت از بازار سرمایه تصویب کند که یکی از آنها بازگشایی نمادها در کوتاه‌مدت است. بنابراین شرکت‌هایی که دارای مشکل حقوقی هستند، شفافیت ندارند و در مجموع ممکن است برای سهامدار مساله‌ساز شوند را برای طولانی‌مدت متوقف نگه ندارند تا شرکت به شفافیت خود اقدام کند. پس در نتیجه به سهامدار هشدار داده می‌شود که به طور مثال ۶۰ روز از عدم انتشار اطلاعات فلان شرکت گذشته است؛ بنابراین سهم بازگشایی شده و تمام ریسک‌های سهم دیگر برای سهامدار می‌شود. بنابراین شرکت‌هایی که در طول سال همیشه شفاف هستند، حدود چند ساعت متوقف شده و در نهایت بازگشایی می‌شود. اما آنهایی که با مشکل روبه‌رو هستند، به آنها مهلت داده شده و همچنین تعهدنامه کتبی گرفته می‌شود تا به سهامدار اطلاع دهند که نماد را باز می کنیم ولی هر اتفاقی در آینده رخ بدهد با سهامدار خواهد بود تا مشکلاتی مثل آکنتور رخ ندهد.

این طرح دو جنبه مثبت و منفی دارد؛ نکته مثبت اینکه سهامداران دیگر انتظاری برای بازگشایی نماد نمی کشند و پول افراد بلوکه نمی‌شود. پس درواقع به نقدشوندگی بازار کمک می کند و از نگرانی سهامداران جلوگیری می‌شود. اما بُعد منفی اینکه با سابقه‌ای که از برخی شرکت‌های حاضر در بورس دیده می‌شود، ممکن است شرکتی بازهم بخواهد به عدم شفافیت خود ادامه دهد و شفافیت را لکه‌دار کند. پس ممکن است حتی بعد از بازگشایی سهامدار را اذیت کرده و آنها را متحمل زیان‌های بالایی کنند. بنابراین اگر قانون سختگیرانه‌تری همچون جریمه برای شرکت‌هایی که شفافیت ندارند، اعمال شود، می تواند در کل به بازار سرمایه کمک شایانی داشته باشد.

موضوع صندوق تثبیت بازار سرمایه هم بحث جدیدی نیست و از بازار حمایت می کند. البته حمایت بیشتر این صندوق، حمایت از شاخص کل بورس است که به طور مثال صحبت‌های رییس‌جمهوری امریکا که تاثیر منفی بر بازار داشت را پوش می‌دهد. چند روز پیش نیز برای حمایت از شاخص، سازمانی‌ها بلوک‌زنی کردند تا از ریزش حدود ۲ هزار واحدی شاخص جلوگیری شود.

جنبه مثبت طرح صندوق تثبیت بازار سرمایه این است که از فضای هیجانی در بورس جلوگیری می‌شود. اما قسمت منفی این طرح این است که اگر این سرمایه تنها برای حمایت از شاخص بوده و برای سهامدار خرج نشود، بازی بدی است که تغییر خاصی در بازار ایجاد نخواهد کرد و تنها اتلاف سرمایه است.